**بصیرت‌افزایی رسانه‌ای در برابر جنگ نرم**

دنیای امروز در پرتو دانش و فناوری شاهد تحولات بی‌شماری است که در این میان گسترش امکانات ارتباطی در رأس آنها قرار دارد. در چنین شرایطی، روزنامه، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و… با انتقال اطلاعات لحظه‌ای مسئوليت مبادله افکار و عقاید عمومی ‌را بر عهده دارند. بنابراین شاید بتوان گفت که امروزه دوران حاکمیت سیاسی و سلطه قدرت‌های نظامی ‌به پایان رسیده و عصر تسخیر اذهان افکار عمومی ‌با سلاح امواج و رسانه‌ها در حال شکل‌گیری است. این نوع سلاح به مراتب مخرب‌تر از تسلیحات نظامی‌ و موشک‌های هسته‌ای است و مبارزه با آن نیز به دلیل ماهیت پیچیده و پنهانی‌اش دشوارتر است.

در حقیقت در عصر ارتباطات و اطلاعات که موانع کمتری در راه دسترسی به اطلاعات و اخبار برای مخاطبان وجود دارد، بیش از هر زمان دیگری اخبار نادرست یا تحریف شده و منطبق با خواست و اراده صاحبان رسانه ارائه می‌گردد. به همین منظور ارتباطات و اطلاعات به مثابه رگ‌های حیاتی جامعه بشری بستر مبارزات و چالش‌های آینده بین‌المللی و جهانی به‌شمار می‌رود. به باور برخی عرصه نبرد فردا را گستره پیام‌سازان، رسانه‌ها و پیام‌گیران شکل می‌دهد و محور تبادل قدرت را در آینده، ‌تاکتیک‌های اطلاعاتی شکل خواهد داد و این تاکتیک‌ها چیزی نیست جز قدرت دستکاری در اطلاعات که بخش عمده آن حتی پیش از آنکه این اطلاعات به رسانه برسد انجام خواهد شد.

از این منظر آشنایی و شناخت حوزه گسترده عملیات روانی در بررسی رسانه‌ها از اهمیتی چشمگیر برخوردار است، چرا که در جنگ رسانه‌‌ای تمامی فعالیت‌ها برای تحت تأثیر قراردادن افکار و اعمال افراد در جهت اهدافی معین به کار می‌رود. به تعبیر دیگر رسانه‌ها به دلایل متعدد از مؤثرترین ابزارهای جهت‌دهنده و ذهنیت‌بخش سیاسی- راهبردی به شمار می‌روند، چرا که می‌توانند وضعیت‌های غیرطبیعی را آن‌گونه‌ طبیعی نشان دهند که همچون وضع طبیعی به نظر آیند و آنچنان بر اذهان مخاطبان تأثیر گذارند که صحنه‌های غیرواقعی به‌مثابه حقیقت جلوه ‌کنند؛ چرا که ذهن مخاطب را به فضای مجازی می‌کشانند و گاه با مقولات ارزشی در ذهنیت‌سازی و مدیریت ادراکی مخاطبان تأثیراتی شگرف بر جای می‌گذارند. بر همین اساس جنگ رسانه‌ای یکی از فضای‌های شکل‌گیری تهدیدات دشمنان انقلاب اسلامی ‌در استمرار پروژه‌های ایران‌ستیزانه خود در حوزه رسانه‌هاست. مقوله‌ای که هجمه‌های تبلیغاتی و بمباران‌های خبری بسیاری از آن به وضوح در حوادث و رویدادهای مختلف سیاسی- اجتماعی علیه انقلاب اسلامی ‌درک و تیر و ترکش‌های نابرابر آن در موضوعات مختلف با سیاه‌نمایی و شایعه‌پردازی‌های دروغین لمس می‌شود.

در این رویکرد، غرب به‌ویژه رسانه‌های امریکایی و وابسته به آن با هزینه‌های سنگین مالی درصدد دست‌یابی به اهدافی از قبیل ناکارآمد نشان دادن نظام اسلامی، ایجاد یأس و ناامیدی، سیاه‌نمایی و القای فرهنگ‌های وارداتی غربی ‌و دامن زدن به هیجانات جنسی و غریزی هستند. از این‌رو، در این نبرد به جای تحمیل ارزش‌های مورد نظر خود، می‌کوشند از طریق رسانه‌ها و اقدامات فرهنگی، جامعه هدف را به سوی خواسته‌های خود هدایت کنند و با ایجاد تغییرات در این حوزه، زمینه را برای تغییر ارزش‌ها و هنجارها مطابق با اهداف جریان سلطه فراهم سازند؛ از این‌رو جنگ رسانه‌ای به عنوان سلاحی تأثیرگذار بر نگرش مخاطبین بیشترین تأثیرگذاری روانی در اذهان عمومی ‌جامعه را خواهد داشت و سیاستمداران غربی اندیشه‌های خود را به کمک تبلیغات رسانه‌ای و تحریک احساسات مردم به زبانی بیان می‌دارند که در اذهان افراد رسوخ نموده و هم‌سویی آنها را در راستای اهداف خویش پدید آورد.

بر همین اساس با توجه به تنوع و تکثری که در تئوریزه کردن راهبردهای خرد و کلان امریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی– اجتماعی مشاهده می‌شود و اتخاذ رویکرد جنگ رسانه‌ای از سوی این کشور در چارچوب اجرای مأموریت ناتوی فرهنگی و پروژه ایران‌هراسی، بهره‌گیری از ابزارهای جنگ نرم در شبکه‌سازی تهدیدات نرم اهمیتی خاص برای آن دارد که از سوی دیگر کشورهای غربی‌ و به‌ویژه لابی‌های صهیونیستی نیز حمایت، اجرا و پیگیری می‌شود. از این‌رو، با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری برای آمادگی در برابر جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی ‌و به‌منظور مقابله با فرافکنی‌ها و هجمه‌های رسانه‌ای آنان، ضرورت دشمن‌شناسی و تبلیغ و تبیین راهکارها و اهداف دشمن از ضروریات اجتناب‌ناپذیری است که آماج تهدیدات آنان را خنثی می‌سازد. بنابراین، با بالا بردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری، هوشیاری و آگاهی‌ها می‌توان با این رویکرد دشمنان انقلاب اسلامی ‌مقابله کرد و با سازماندهی و جهت‌دهی مناسب در راستای بصیرت‌زایی عمومی‌ در جامعه از طریق رسانه‌ها در برابر هجمه‌های رسانه‌ای دشمنان ایستادگی نموده، تهدیدات آنان را خنثی کرد.